

پیامدهای منفی برنامه های توسعه در دوره پهلوی دوم

زینب قدمی^۱

فرشته پرخاش^۲

چکیده

در دوره پهلوی دوم (۱۳۵۷-۱۳۲۰ ش)، دولت پهلوی در ادامه‌ی شبه مدرنیسمی که از دوره رضا شاه آغاز شده بود، طرح‌هایی را به هدف دگرگونی در شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور انجام داد. پژوهش حاضر به دنبال ارزیابی پیامدهای منفی این برنامه‌ها است. پرسش اصلی پژوهش این است که سیاست‌های توسعه‌ای در سلطنت محمد رضا شاه چه نتایجی منفی در پی داشت؟ یافته‌های این بررسی نشان می‌دهد که سیاست‌های اقتصادی و سیاسی در این دوره، تنها برای دوره‌ای کوتاه، اندکی به بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی جامعه کمک کرده است. در دراز مدت، اقدامات و اصلاحات محمد رضا شاه سبب دگرگونی در شرایط اقتصادی و اجتماعی برخی از اقشار شد. موضوعی که نارضایتی عمومی و واکنش‌های مختلف ملت را به دنبال داشت. اثرات این اصلاحات و برنامه‌های توسعه‌ای بر ساختار جامعه ایران دوره‌ی پهلوی در بروز نارضایتی و همراهی مردم با انقلاب اسلامی مؤثر واقع شد. روش نویسنده در پژوهش پیش‌روی از سنخ تحقیقات تاریخی و بر اساس منابع کتابخانه‌ای و اسنادی استوار است.

واژه‌های کلیدی: پهلوی دوم - سیاست‌های توسعه - اصلاحات اقتصادی - توسعه سیاسی - انقلاب اسلامی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ انقلاب اسلامی دانشگاه خوارزمی z.ghadami70@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ اسلام دانشگاه خوارزمی f.parkhash7323@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۸/۲۳

حکومت‌ها برای حفظ خود، کسب مشروعیت در جامعه و نیز بهبود شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی برای مردم دست به اقداماتی می‌زنند. هر اندازه این برنامه‌ها بر پایه‌ی شناخت جامعه، معرفت به ظرفیت‌های اقتصادی و فرهنگی موجود و سازگار با وضعیت یک دولت و جامعه باشند، امکان پیشرفت و کسب موفقیت آن بیشتر می‌شود. درست در برابر این شرایط، هرگاه دولت‌ها این بسترها را در نظر نگیرند و برنامه‌های خود را با سرعت پیاده کنند، امکان کامیابی در اهداف آن به حداقل می‌رسد. دولت پهلوی دوم نیز در تلاش بود که با انجام اصلاحاتی خاص در زمینه اقتصادی و سیاسی، پایه‌های اقتدار خود را مستحکم‌تر کند. اما آن گونه که نشان خواهیم داد این اقدامات و برنامه‌ها در دراز مدت پیامدی منفی برای سلطنت محمد رضا به دنبال داشت.

برنامه‌هایی که در راستای توسعه و حرکت به سمت سرمایه‌داری در این دوره دنبال شد، در دور زمینه‌ی اقتصادی و سیاسی قابل بررسی است. این سیاست‌ها از یک‌سو ناشی از برنامه‌ریزی‌های داخلی؛ و متأثر از شرایط و سیاست‌های بین‌المللی از سوی دیگر بود. اغلب مورخان و محققانی که به هواداری رژیم پهلوی قلم زده‌اند، به این اقدامات و پیامدهای آن به دیده مثبت نگریسته‌اند. اما پژوهش حاضر نشان خواهد داد این برنامه در حالی که بخشی از جامعه را تحت تأثیر خود قرار می‌داد و برای نمونه درآمد شهرنشینان را افزایش داد، لیکن به زیان قشرهای روستایی و کارگران و غیره بود. برنامه دولت در زمینه توسعه سیاسی که به مردم سالاری و مشارکت ملت در سپهر سیاسی کشور می‌بایست بینجامد، به گونه‌ای سرپوش‌گذاری بر قدرت خودکامه‌ی شاه در دهه‌های چهل و پنجاه تبدیل شد. در ادامه این جستار به تبیین پیامدهای منفی این اقدامات توسعه‌ای از سوی دولت پهلوی و پیامدها و واکنش‌های آن در بین اقشار جامعه خواهیم پرداخت.

الف) برنامه اقتصادی و پیامدهای آن

یکی از راهکارهای رژیم پهلوی برای دست‌یابی به توسعه، اجرای برنامه‌های اقتصادی در زمینه صنعت و کشاورزی بود. این برنامه علی‌رغم راضی کردن بخشی از جامعه از نظر اقتصادی، اما سایر اقشار و بخش‌ها را دچار مشکلاتی کرد. اکثر طرح‌ها و برنامه‌های الهام گرفته از مذاکراتی بود که با اتباع و شخصیت‌های خارجی به عمل می‌آورد؛ به طور مثال در زمینه کشاورزی به بار یکی از ایرانی‌های تبعه آمریکا به ملاقاتش رفت و مزایای تأسیس سازمان‌های کشت و صنعت را برایش برشمرد، که شاه بی‌درنگ تصمیم گرفت نظر او را اجرا کند تا ایران را در زمره صادرکنندگان مواد غذایی درآورد، به دنبال این تصمیم دستور داد اراضی اطراف سد بزرگ جنوب کشور را به امر کشت و صنعت اختصاص دهد. کشاورزانی که در آن منطقه به زراعت اشتغال داشتند و به تازگی قباله‌ای به دست آورده بودند ناگهان با وضعی روبرو شدند که قباله را از دستشان می‌گرفت و به جایش سهم «کشت و صنعت» می‌داد و ضمناً از آنان به عنوان کارگر مزد بگیر در یک برنامه کشاورزی گسترده و پیشرو ثبت نام به عمل می‌آورد. این وضعیت برای کشاورزانی که تازه از دوران ظلمات فئودالیسم رها شده بودند قابل هضم نبود و علاوه بر آن اینکه کشاورزان احساس می‌کردند بار دیگر به نقطه اول باز گشته‌اند و پس از اصلاحات ارضی، اینک به جای رعیتی برای مالک شناخته شده‌ای، باید رعیت سازمانی شوند که اصلاً برایشان چهره

مشخصی ندارد. به این ترتیب بود که برنامه‌های کشاورزی شاه هم خیلی زود دچار مشکلات عدیده شد. و سطح تولیدات کشاورزی هرگز نتوانست حداقل نتیجه مورد انتظار را برآورده سازد.

در بخش صنعت نیز وضعیتی مشابه بود به خاطر صبور نبودن شاه و برنامه‌های جاه طلبانه‌اش مسائل فراوانی یکی پس از دیگری ظهور می‌کرد. احداث مراکز مربوط به صنایع سنگین، پتروشیمی و نیروگاه اتمی، نیاز به کارشناسان ورزیده داشت. و چون در میان ایرانیان چنین افرادی به چشم نمی‌خورد شاه برای دست یافتن به اهداف خود کارشناسان زیادی از خارج وارد کشور کرد. (هویدا، ۱۳۷۰: ۸۹-۸۸) از قوانین دیگر که در سال ۱۹۷۵ (۱۳۵۳ ش) صاحبان صنعت را مورد اعتراض قرار داد شاه فرمانی صادر کرد که به موجب آن، اصل مالکیت عمومی بر صنایع و معادن را مقرر کرد. طبق این فرمان بایستی ظرف سه سال ۹۰ درصد از مالکیت کل صنایع و معادن دولتی و ۴۹ درصد از مالکیت شرکت‌های صنعتی و معدنی خصوصی به مردم فروخته شود. این سهام باید اول به کارگران این واحدها و سپس به کشاورزان و سرانجام کلیه سهام باقی مانده به عموم مردم عرضه شوند. اعلام این خبر از سوی شاه، احساس عمیقی از هرج و مرج برانگیخت. صاحبان شرکت‌ها نظرشان بر این عقیده بود که با این قانون دارائی‌های آن‌ها به زور توزیع می‌شود. کارگران هم احساس می‌کردند که مجبور می‌شوند برای خرید دارائی‌های کاغذی زیر بار قرض‌های سنگین بروند در شرایط نبود یک روش حساب شده هیچ‌کس وسیله مطمئنی برای تعیین ارزش سهامی که باید فروخته شود نداشت. تأثیر آنی این فرمان، ایجاد نوعی هراس همگانی بود. اما با گذشت زمان و آغاز اجرای این دستور، همه به این نتیجه رسیدند که اوضاع بدتر از آن چیزی است که انتظارش را داشتند. بازرگانان دریافته‌اند که دولت روش دیگری برای دخالت در فعالیت‌های آن‌ها پدید آورده است. آن‌ها احساس کردند در قبال کوشش، سرمایه‌گذاری، و ریسک خود از دریافت پاداش مناسب محروم شده‌اند. کارگران احساس رضایت آنچنانی نداشتند. در واقع نظر بر این بود که شرکت‌های دولتی فروخته شده است سودآور نیستند. تعداد بسیار کمی از فروشندگان یا خریداران ناراضی، این احساس را داشتند که شاه باب امکانات جدیدی برای رونق گشوده است. آن‌ها این عمل را نوعی خلع ید تلقی می‌کردند. کسانی که بد بین بودند این حرکت را شبیه به اصلاحات ارضی می‌دانستند. به طور خلاصه چنین تصور می‌شد که شاه خودنمایانه در پی افزایش قدرت خودش است. (زونیس، ۱۳۷۰: ۱۴۱-۱۳۹)

فشار دولت بر مسأله زمین هم آثار ناخوشایندی به همراه داشت و با توقف کلیه فعالیت‌های ساختمانی، خسارات فراوانی به صنایع وابسته به مسکن وارد آورد. به مجرد آنکه آموزگار اعلام کرد: دولت در نظر دارد برای کاستن از فشار ترافیک تهران طرحی به صورت احداث بزرگراه شمال به جنوب شهر از طریق بازار تهران به اجرا در آورد. که بعد از آن شایعه‌ای در بین تجار بوجود آورد که شاه می‌خواهد بازار را خراب و بازاریان را از کسب و کارشان بیاندازد. آموزگار با این عملکرد خود ناراضی‌گسترده‌ای در میان جوامع مذهبی، مردم طبقه متوسط و بازاریان بوجود آورد (هویدا، ۱۳۷۰: ۸۳).

اصلاحات ارضی که با هدف تغییر در ساختار مالکیت و ایجاد عدالت اجتماعی و رفاه جامعه صورت گرفت. ولی نتایج بر عکس به دنبال داشت. بی‌عدالتی، ازدیاد فاصله طبقاتی در روستاها، فقر و سقوط اقتصاد کشاورزی از نتایج منفی آن

بود. نوسازی و عمران شهری، که از اصول دیگر انقلاب سفید بود اساساً به اجراء در نیامد. به طور کلی در انقلاب سفید که مدعی بود پاسخی به نیازها و الزامات اقتصادی و اجتماعی حاد جامعه آن روز ایران است و موانع را از سر راه رشد و گسترش نظام اقتصادی کشور برمی دارد با شدت یافتن شرایط توسعه ناموزون و نیروهای تولید، تضادها و ناهماهنگی ها را در سراسر جامعه شدت بخشید. رشد اقتصادی ایران در فاصله ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۵ ش فوق العاده بود. مهم ترین عامل این رشد، افزایش درآمدهای نفتی بود. ولی در واقع رشد و توسعه اقتصادی در این دوره در نهایت به افزایش درآمدهای واقعی همه طبقات شهرنشین با سرعتی به مراتب بیش از طبقات روستائین در حال افزایش بود. در شهرها هم هزینه ها به طور نابرابر توزیع شده بود. از اواخر دهه ۱۳۴۰ ش به بعد، این نابرابری ها افزایش بیشتری یافت. رشد اقتصادی ایران در فاصله سال های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۴ ش مبتنی بر اصول شناخته شده توسعه نبود. درآمدهای دولت به شیوه صحیح سرمایه گذاری نشد و همین امر پیامدهای منفی آن را تشدید کرد و با کاهش قیمت نفت در سال ۱۳۵۴ ش و تنزل بیش از حد درآمدهای دولت باعث ایجاد نارضایتی در جامعه شد، باطل شدن رشد اقتصادی سریع و کوتاه مدت بدگمان آشکار شد. (قدسی زاده، ۱۳۸۸: ۹۳-۹۹). صاحبان سرمایه شهری مجبور بودند که برای به کارگیری مازاد سرمایه مراکز جدیدی را پیدا کنند، درحالی که نظام ارباب رعیتی هنوز مناسب رشد عمومی سرمایه داری نبود. از این رو شاه لازم دید شرایط اقتصاد کشاورزی و روابط اجتماعی روستاییان ایران تغییر کند تا صاحب سرمایه بتواند با آزادی عمل، سرمایه و کالای خود را به روستاها انتقال دهد و به نظام اقتصاد بسته - غیرمصرفی اتمام بخشند. به عمل درآوردن اصلاحات ارضی می توانست به این روند توسعه سرعت زیادتری ببخشند، ولی قانون اصلاحات ارضی حتی اگر بتوان برای آن نیت های خیرخواهانه ای قائل شد، دراصل هدف های سیاسی و اقتصادی خاصی را دنبال می کرد. در بعد سیاسی، دولت ریشه کن کردن طبقه سنتی زمین دار در روستاها و نیز خنثی کردن احتمال بروز شورش های دهقانی را از طریق پاسخگویی به برخی از تقاضاهای آن-ها مدنظر داشت. عدم وجود دهقانان انقلابی نباید ما را گمراه کند و به این نتیجه برساند که دولت کاملاً موفق بوده است. احتمالاً شوق اولیه دهقانان را بتوان نشانه ای دال بر موفقیت نسبی رژیم تلقی کرد. اما باید گفت که در مورد هدف سیاسی اول: اقدامات دولت با موفقیت بیشتری نزدیک تر بود زیرا تشکل خانواده زمیندار به عنوان یه طبقه قدرتمند را از بین برد و بدین ترتیب طبقه سنتی زمیندار را از هم گسست اولاً: اصلاحیه هایی که به قانون اولیه اصلاحات ارضی منضم شد در کنار نقاط ضعف خود قانون باعث شد که حدود ۵۰ درصد از کل اراضی حاصلخیز از برنامه حذف شود تنها حدود یک سوم از خانواده های روستایی از برنامه اصلاحات بهره مند شدند مقداری زمین خریدند. در عین حال یک سوم از خانوارهای روستایی به سهولت از فرایند توزیع زمین کنار گذاشته شده اند ثانیاً: نوسازی کشاورزی و تعاونی های زراعی مالکیت های بزرگ را تشویق می کرد و در نتیجه، اکثر دهقانان از زمین خود رانده شدند و به کارگران مزدور تبدیل گشتند. این مسأله روابط مالکیت را در روستاها تا حد زیادی تغییر داد و در نتیجه ساختار اجتماعی مستقل و خود نگه دار روستاها از میان رفت. اگر چه دولت برای تجاری کردن کشاورزی یا اشاعه کشاورزی سرمایه داری، دیوانسالاری گسترده و پیچیده- ای بوجود آورده بود. اما تلاش آن برای جذب کشاورزی در بازار ملی با شکست مواجه شد. به نظر نمی رسد سرمایه-

گذاری در کشاورزی، جز در مورد بعضی از زمین‌هایی با اندازه متوسط، سودآور باشد سرمایه‌گذاری دولت در بخش کشاورزی بیشتر به نفع طرح‌های بزرگ - معروف به قطب‌های توسعه کشاورزی و به زیان اکثریت دهقانان بود که معمولاً کمتر از ۲۰ هکتار زمین داشتند. (سمتی، ۱۳۷۵: ۱۴۵-۱۴۳). رشد و توان اقتصادی دولت منجر به اقتدارگرایی شاه شد. در اثر اصلاحات ارضی مالکان سنتی که پست‌های کلیدی در دیوان‌سالاری در مجلس در دوره پیش از اصلاحات ارضی را داشتند و قدرت‌های آن‌ها مبتنی بر ارباب‌سالاری بود قدرت خود را از دست دادند. (اشرف و بنو عزیز، ۱۳۹۳: ۵۴) در آمد اضافی حاصل از افزایش شدید بهای نفت به شاه امکان داد که برنامه‌های عمرانی را با سرعت بیشتری دنبال کند. تحولات اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی ناشی از این امر سرانجام موجبات تجزیه و تلاشی دستگاه سیاسی خاندان پهلوی را فراهم کرد. بخصوص کوشش‌هایی که در اواخر سال ۱۹۷۶ م در جهت مهار کردن تورم شدید بعمل آمد، شالوده جریاناتی سیاسی را ریخت که سرانجام اساس و بنیاد فلسفه و عمل سلطنتی را که شاه طی تمام دهه‌های شصت و هفتاد در تحکیم اساس و بنیاد آن کوشیده بود به هم ریخت. (استمپل، ۱۳۷۷: ۲۳). اقدامات شدید عمرانی که در سال ۱۹۷۴ آغاز شد و هدف آن افزایش سریع رشد توسعه بود انتظارات زیادی را برانگیخت و در نتیجه موجب افزایش تورم شد. و به محض اینکه در آمدهای حاصل از نفت به بازار وارد شد، بهای تمام کالا به شدت بالا رفت. و نرخ تورم که در سال ۱۹۷۴ بیش از ۱۸ درصد نبود. در سال‌های ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۸ به متوسط ۲۵ تا ۳۵ درصد رسید، و قیمت‌ها به طرز فجیعی بالا رفت و هزینه مسکن در صدر آن جای داشت. تأثیر درونی و متقابل عوامل مختلف اقتصادی در این عرصه فوق‌العاده شدید و مخرب بود در سال ۷۶-۱۹۷۵ افزایشی که در میزان خریدهای خارجی حاصل شده بود باعث شد تا تخلیه کالا در بنادر جنوبی که عمده واردات کشور در این بنادر تخلیه می‌شد در مدتی کمتر از ۱۶۰ تا ۲۰۰ روز غیرمقدور باشد. به این ترتیب طرح‌های ساختمانی با تاخیرهای فوق‌العاده مواجه گشتند. وقتی هم ظرفیت بنادر بهبود یافت کالاها پر باراندازها ضایع می‌شد. چرا که شبکه حمل و نقل داخلی قادر به توزیع آن‌ها نبود. قیمت‌ها حتی بیش از آنچه انتظار می‌رفت افزایش می‌یافت و میزان دستمزدها نیز ناگزیر بالا رفت. آشفتگی وضع اقتصادی به واقعیت مهمی از زندگی بدل گردید. در واقع این درست است که از سال ۱۹۷۴ تا ۱۹۷۸ م اوضاع اقتصادی بهبود یافت، اما در وضع اکثر مردم تغییر چشمگیری حاصل نشد. ذره‌ای از این توسعه به طبقات پایین نفوذ کرد اما این کافی نبود. در واقع حدود ۱۵ تا ۲۰ درصد به طور تضمینی از این اقتصاد بهره‌مند شدند. در حالی که ۳۰ میلیون ایرانی باقی مانده که بهبودی چندانی در وضع زندگی‌شان حاصل نشده بود. و با حسرت زیادی بر این جریان نگاه می‌کردند. فاصله بین انتظارات و نتایج حاصله موجب عکس‌العملی سیاسی گردید که کم‌کم ناراحتی‌هایی برای حکومت فراهم کرد اولین آشوب در تهران، در اوت ۱۹۷۷ م در اعتراض به کمبود مسکن بود. در سایر شهرها ناآرامی‌هایی خفته وجود داشت. (همان: ۲۶-۲۵ و زیبا کلام، ۱۳۷۵: ۳۷) کاتم می‌گوید: «بدون تردید آرامش بین سال‌های ۱۳۵۲-۱۳۴۲ ش و در مقابل ناراضیاتی و طغیان سال‌های ۱۳۵۶-۱۳۵۷ ش باز می‌گردد به این که در دوره اول درآمد اکثریت قریب به اتفاق ایرانیان افزایش پیدا نمود. بالعکس در دوره

مدرنیسم تقلیدی و اثرات منفی آن

ترکیب خصلت‌های شبه‌مدرنیسم و شبه‌ناسیونالیستی و استبداد ایرانی در شخص شاه به پیدایش رؤیایی انجامید که آن را با کمک درآمدهای نفتی و به بهای تباهی مردم ایران و سرانجام خودش محقق ساخت. «مدرنیزه کردن» اقتصاد سیاسی ایران از طریق سرمایه‌گذاری در صنایع سنگین، افزایش چشمگیر مصرف با تعقیب سیاست جایگزینی واردات و اشاعه کالای مصرفی بادوام که طبقات مرفه و تحصیلکرده را ساکت نگه می‌داشت، نابودی شیوه‌های سنتی کشاورزی و کوچ نشینی که هم از لحاظ سیاسی کنترلش مشکل و هم نشانه عقب افتادگی اجتماعی بود. و وارد کردن آخرین و پیشرفته‌ترین تکنولوژی‌ها تمام دنیا اقرار کند که ایران «ژاپن خاورمیانه» خواهد شد. تقویت بنیه نظامی ایران، تا حدی برای تأمین امنیت داخلی خودش اما به عنوان ابزاری در راه گزافه‌های شوونیستی وی، ایجاد کشوری پلیسی برای سرکوب کلیه کسانی که حتی اجازه تفکر در خارج از چارچوب را به خود می‌دادند. بالطبع تحقق کامل این رویای شاهانه احتیاج به زمان داشت. (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۲۸۲ و زیبا کلام، ۱۳۷۲: ۳۳-۳۲) بوجود آوردن حزب رستاخیز ملی آخرین حقه شاه بود که از آستین بیرون آورد لذا مردم نمی‌توانستند به آریامهر بی‌اعتنایی کنند او به همه کسانی که شناسنامه ایرانی داشتند گفت که یا به این حزب ملحق شوید یا ساکت بماند و «هیچ انتظاری از ما نداشته باشند» و یا با پاسپورتشان را گرفته کشور را ترک کنند، حزب هیچ نتیجه‌ای به بار نیاورد. اکثر مردم دفاتر عضویت را امضا کردند و همچنان به شاه و دستگاهش لعنت فرستادند. خود حزب به مجرای دیگری برای اشتغال کاذب، پیشبرد بوروکراتیک منافع شخصی و فساد مالی بدل شد. (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۲۸۶ و زونیس، ۱۳۷۰: ۱۳۸-۱۳۹) مقایسه میان مصرف خصوصی شهری و روستایی نیز روشنگر است در سال قبل از انفجار عواید نفت، جمعیت روستایی تقریباً ۶۰ درصد کل را تشکیل می‌داد اما مصرف روستایی تنها ۳۵ درصد کل مصرف خصوصی بود. لکن نکته مهم‌تر این است که حدود ۸۰ درصد مصرف دولتی نیز احتمالاً در محدوده بخش شهری خرج شده است. مجموع این دو نکته تصویری از شکاف عظیم میان مصرف واقعی سرانه «مستقیم و غیر مستقیم» در نواحی شهری و روستایی بدست وی دهند. (همان: ۳۱۰) شاه مصمم بود هر چه بیشتر و تا حد ممکن هر چه سریع‌تر این منبع پایان‌پذیر کشور را به بهای غیرعادلانه آن زمان، برای تحصیل عواید بیشتر به فروش برساند. در ظاهر برای توسعه سریع اقتصاد کشور، به علاوه او به طرز دیوانه وار مشغول قرض گرفتن از خارج، جذب سرمایه گذاری‌های خارجی و غیره بوده بنابراین بین سال‌های ۱۳۴۲ و ۱۳۵۱ ش موازنه پرداخت‌های ایران تقریباً بی‌وقفه کسری داشت و سرمایه‌های زیادی در راه طرح‌های تجملی و غیراقتصادی صرف شد. از این گذشته احتمالاً در سرمایه‌گذاری دولتی بسیاری ملاحظات دیگر در نظر گرفته می‌شد؛ از جمله فعالیت‌های ساختمانی برای مقاصد نظامی و خرید «ماشین آلات و تجهیزات» برای نیروهای مسلح، این به هیچ وجه سرمایه‌داری نبود، بلکه استبداد نفتی شبه‌مدرنیستی بود. (همان: ۳۱۳). سیاست‌های سیاسی - اقتصادی دولت به گسترش سریع شهرهای کوچک و بزرگ و فعالیت‌های

شهری انجامید. افزایش درآمدها و مصرف در شهر و زوال کشاورزی و روستانشینی، به مهاجرت جمعی روستاییان به شهرها منجر شد. گسترش بوروکراسی دولتی و تمرکز بیش از پیش و در واقع شگفت انگیز تصمیمات اجرایی سیل مهاجرت از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ را باعث شد. آنچه در ایران روی داد نه پیشرفت اجتماعی و اقتصادی بود و نه مدرنیسم بلکه شبه مدرنیسمی بود که عواید نفت آن را تسریع کرد. وضع مسکن جز برای وابستگان دولت و جامعه تجار، یا وحشتناک بود و یا مشکلی هولناک، اغلب شهرهای کوچک و بزرگ از جمله تهران، فاقد سیستم فاضلاب کارآ بودند، خدکات درمانی و بهداشتی برای اغنیا بسیار گران و نامطمئن و برای فقرا گران و خطرناک (همان: ۳۲۲-۳۲۳). در مورد فعالیت‌های ساختمانی که در واقع آمار دقیقی از آن‌ها در دسترس نیست تنها می‌توان گفت: که سهم بالایی از فعالیت‌های ساختمانی احتمالاً صرف اموری مانند پروژه‌های بدون بازده دولت (به ویژه برای مقاصد نظامی)، منازل مجلل و کاخ‌های خصوصی، هتل‌های جدید، رستوران‌ها و سرمایه‌گذاری‌های مشابه می‌شده است. در واقع پس از افزایش ناگهانی فعالیت‌های ساختمانی در سال‌های پس از سال ۱۳۵۲ ش، این مطمئن‌ترین بخش برای حفظ و رشد انتقال در شهرها بود همین مسأله نیز دلیل افزایش شاخص عمومی مزد کارگران ساختمانی طی سال‌های ۱۳۵۳ تا ۵۷ ش بوده است. بسیاری از کارگران ماهر سنتی (یا صاحب مهارت‌های عادی) کارهای خود را ترک کردند و کارگر ساختمانی، راننده وانت شدند. (همان: ۳۲۴) به هر حال این طرح‌های انقلاب سفید نتیجه‌ای در بهر داشت: این طرح‌ها مردان تحصیل‌کرده با وجدان را با حقایق زندگی و روابط اجتماعی حاکم بر کشورشان آشنا کرد و از این گذشته چیزهای زیادی به آن‌ها آموخت، حتی اگر نتوانستند چیز زیادی به دیگران بیاموزند. بخش زیادی از بودجه آموزش در نواحی شهری و به ویژه شهرهای بزرگ صرف شد؛ و در سال ۱۳۵۲ ش که انفجار عواید نفت، دولت را از خود بیخود کرده بود. یکی از اولین رشوه‌های سیاسی چشمگیر که دولت به جمع وسیع‌تر وابستگانش پرداخت، تحصیل رایگان در کلیه مدارس ابتدائی و متوسطه حتی مدارس خصوصی بود. یعنی شهریه‌های سنگینی را که تاکنون گروه‌های با در آمد متوسط و بالا به این مؤسسات آموزشی می‌پرداختند، دولت پرداخت کرد. هر فرد سیاسی فهمیده‌ای می‌توانست تأثیر بسزای همین یک حرکت را بر میزان تورم پیش‌بینی کند. اما این تازه پیش در آمد بود. آشکار است که این افزایش قابل ملاحظه بودجه آموزش بر تعداد مدارس، شاگردان و... نیفزود، بلکه صرفاً کمک خرج دیگری به خانواده‌های مرفه بود. (همان: ۳۳۶)

برنامه‌ی توسعه سیاسی و پیامدهای آن

برنامه‌های توسعه سیاسی که از آن طریق می‌توانستند شکایت‌ها و خواست‌های خود را در حوزه سیاسی مطرح کنند، محروم کرد. (آبراهامیان، ۱۳۹۲: ۵۴۸-۵۴۲ و پارسونز: ۱۳۶۳، ۳۷ و هویدا، ۱۳۷۰: ۱۰۳-۱۰۲) دوگانگی در توسعه سیاسی یکی دیگر از برنامه‌های دولت پهلوی در دوره سلطنت محمدرضاشاه و به ویژه در دهه پنجاه تلاش ظاهری برای توسعه سیاسی و میدان دادن به احزاب بود. این موضوع که ناشی از شرایط بین‌المللی و طرح فضای باز سیاسی آمریکایی-ها بود، در عوض ایجاد ثبات برای رژیم، چهره‌ی خودکامه شاه و دولت و نیز رابطه‌اش با حکومت را آشکار کرد.

از جمله‌ی این سیاست‌ها، که پیامدهای منفی زیادی در پی داشت تشکیل حزب رستاخیز در سال ۱۳۵۳ ش توسط شاه بود. تشکیل این حزب واکنش تند علما را در پی داشت چرا که حزب به جای برقراری ثبات، رژیم را تضعیف و فاصله میان سلطنت و جامعه را بیشتر و نارضایتی گروه‌های مختلف (طبقات متوسط حقوق بگیر، طبقات متوسط، طبقه کارگر و...) را به شدت برانگیخت. به انحصار درآوردن سازمان‌ها و وسایل ارتباطی، نیروهای اجتماعی را از حضور در خیابان‌ها که از آن طریق می‌توانستند، شکایت‌های خود را در حوزه سیاسی مطرح کنند، محروم کرد. سیاست‌های اجتماعی، اقتصادی رژیم و تحکیم یافته ایران در سال‌های ۴۱-۵۵ ش به شکلی بود که اکثر افراد در جهت تقویت نظرهای خویش می‌توانستند به افزایش چشمگیر حجم تولید ناخالص ملی، اجرای پروژه‌های جالب توجه صنعتی کشاورزی و زیربنایی مملکت و بسیاری از دیگر فعالیت‌ها در جهت تأمین رفاه اجتماعی استفاده کنند. از طرف دیگر بسیاری از مخالفین رژیم ادعا می‌کردند، که تمام اصلاحات انجام شده به نفع طبقات بالا بوده و هیچ تغییر اساسی زیر بنایی صورت نگرفته است. در این جابه‌جایی اینکه سال به سال برنامه‌های اقتصادی را بررسی کنیم، به بررسی تغییرات و پیشرفت‌های اقتصادی در کل دوران پیردازیم و به جای جزئیات بیشتر روی نتیجه‌گیری‌های تحلیل‌گرایانه تکیه می‌کنیم. اصلاحات ارضی که برای نخستین بار در سال ۱۹۶۲ م (۱۳۴۰ ش) از تصویب پارلمان گذشت، مقدماتی‌ترین مرحله سیاست‌های نوین اقتصادی و کشاورزی بود. برنامه اصلاحات ارضی نظیر بسیاری از اصلاحات ارضی کاپیتالیستی حتی در مراحل مرفقی اولیه آن که تحت نظر مستقیم ارسنجان‌ی انجام شد نابرابر و غیر متساوی بود. بعضی کشاورزان زمین بیشتری بدست آوردند و بعضی دیگر کم، و یا چیزی بدست نیاوردند. بطور خلاصه حتی در مورد کشاورزان مورد توجه مرحله اول اصلاحات ارضی، در زمینه اینکه وسایلی در اختیار آنان قرار داده شود که به وسیله‌ی آنها تولیداتشان افزایش یابد و به نحو چشمگیری مرفه‌تر شوند اقدامات لازمی صورت نگرفت. در حقیقت دولت به کشاورزان خارجی سوسپید می‌داد، چون گندم آنها را و نه ایرانی‌ها را به قیمت بین‌المللی می‌خریدند. در نتیجه کشاورزان آن اندازه زمین (خرید اقساطی زمین) نداشتند که بتوانند از طریق آن امرار و معاش کنند. به همین دلیل مجبور بودند یا منابع کشت دیگری را جستجو کنند و یا اینکه به کارهای دیگری بپردازند. تأسیسات صنعتی و بازرگانی سرپوشیده سنتی بتدریج به مراکز مدرن تجاری مبدل گشت. ولی رونق اقتصادی در اوایل سال ۱۹۷۴ م با آغاز تنگناها و تضادهایی همراه گشت. تزریق ناگهانی درآمدهای هنگفت حاصل از تزریق درآمدهای هنگفت حاصل از افزایش قیمت نفت در دسامبر ۱۹۷۳ م بدون افزایش سطح تولید، تعادل عرضه و تقاضا را در بازار ایران بر هم زد و به تورم و گرانی بی‌سابقه‌ای انجامید. سیستم ابتدایی راه‌آهن ایران برای حمل کالاهای مصرفی و وارداتی کافی نبود بنادر کوچک ایران ظرفیت پذیرش کشتی‌هایی را که کالاهای سفارشی از خارج را به ایران می‌آورد را نداشت. کمبود کالا و مواد اولیه مصرفی به تدریج نمودار گشت. البته این‌ها از عوارض توسعه سریع است. ولی همین مشکلات ثبات استحکام زیربنای اجتماعی کشور را تهدید کرد و نقشه‌های شاه را به خطر می‌انداخت تندروری و بلند پروازی‌های شاه و عظمت بعضی از برنامه‌های مورد علاقه او که جامعه ایران ظرفیت جذب آن را نداشت روال عادی زندگی مردم ایران را بر هم زد. و جمعیت روستایی که وسایل تأمین معاش خود را کنار گذاشته و به شهرها هجوم آورده



بودند را در زمره ناراضیان قرار داد. علاوه بر این در کنار توسعه مدارس و دانشگاه‌های ایران که به سرعت در حال گسترش بودند به مراکز نارضایتی علیه خود رژیم تبدیل شدند. فعالیت‌های پدیده‌های نفت در کشور آغاز شده بود، که گنج‌کننده بود. ولی در کنار آن فساد هم با ابعاد وحشتناکی توسعه می‌یافت.

رشد و گسترش حزب رستاخیز دو پیامد عمده داشت: تشدید تسلط دولت بر طبقه متوسط حقوق بگیر، طبقه کارگر شهری و توده‌های روستایی؛ و نفوذ حساب شده دولت در بین طبقه متوسط مرفه به ویژه بازار و نهادهای مذهبی برای نخستین بار در تاریخ ایران، تشکیل حزب رستاخیز واکنش تند علما را در پی داشت. مدرسه فیضیه به نشانه اعتراض تعطیل شد، در واقع اهداف حزب رستاخیز با دستاوردهای عملی آن مغایرت داشت. هدف آن تقویت رژیم، نهادینه کردن هرچه بیشتر سلطنت و فراهم ساختن پایگاه اجتماعی گسترده‌تری برای دولت بود. ابزارهای مورد استفاده آن عبارت بودند از: بسیج مردم، به انحصار درآوردن حلقه‌های ارتباطی میان حکومت و جامعه، تشدید نظارت بر کارمندان، کارگران کارخانه‌ها، و از همه مهم‌تر نفوذ روز افزون دولت بر بازارهای سنتی و مؤسسات مذهبی اما حزب به جای برقراری ثبات، رژیم را تضعیف و فاصله میان سلطنت و جامعه را بیشتر و نارضایتی گروه‌های مختلف را شدیدتر کرد. زیرا هدف از بسیج توده‌ای عوام فریبی بود که به نارضایتی آن‌ها انجامید. به انحصار درآوردن سازمان‌ها و وسایل ارتباطی، نیروهای اجتماعی را از حضور در خیابان‌ها سیاست دوگانه جذب طبقات سیاسی و نظارت شدید بر طبقات جدید ناگهان در سال‌های ۴۲ تا ۳۹ ش، به دلیل بحران اقتصادی شدید و فشار عوامل خارجی (آمریکا) برای اجرای اصلاحات ارضی به هم خورد. دولت موقعی که با این پدیده کمبود درآمد نفتی برای هزینه ارتش در سال ۱۳۳۳ ش پی‌برد به دریافت وام‌های سنگین از کشورهای خارجی روی آورد. که با این کار بحران اقتصادی آغاز شد و کسری درآمد با برداشت بد محصول همراه بود در سال‌های ۳۸-۳۹ ش همچنین دریافت این وام‌ها، از خارج اندوخته‌های خارجی کشور را به کلی خالی و ایران را به دریافت درخواست کمک‌های بالا از صندوق بین‌المللی پول و ایالات متحده وادار کرد، شرط صندوق بین‌المللی در عوض شرایط باز پرداخت ایران بودجه خود را سامان دهد و حقوق و دستمزدها را پایین بیاورد این مشکلات اقتصادی و فشارهای خارجی موجب بی‌ثباتی رژیم شد که موجب افزایش شمار اعتصابات در سال‌های ۳۴-۳۶ ش که بیش از سه مورد نبود در سال‌های ۴۰-۳۶ ش به بیش از بیست مورد برسد. (آبراهامیان، ۱۳۹۲: ۵۱۹-۵۱۸) از عوامل دیگر توسعه حکومت که به نارضایتی عمومی منجر شد، همه‌پرسی سراسری بود که برای مشروعیت بخشیدن به (انقلاب) انجام داد و در بهمن ۱۳۴۱ ش اعلام شد ۹۹.۹ درصد رأی دهندگان این طرح ۶ ماده‌ای مربوط به انقلاب سفید را تأیید کرده‌اند. ولی بیهودگی این تلاش‌ها در خرداد ۴۲ ش باعث شد که هزاران مغازه‌دار، روحانیون، آموزگاران، دانش‌آموزان، دانشجویان و ... علیه شاه به خیابان‌ها ریختند. (همان: ۵۲۲). علاوه بر این شاه در حوزه اقتصادی - اجتماعی نوسازی کرد و در نتیجه طبقه متوسط جدید و طبقه کارگر صنعتی را گسترش داد اما نتوانست در حوزه دیگر (حوزه سیاسی) نوسازی نماید این ناتوانی حلقه‌های پیوند دهنده‌ی حکومت و ساختار اجتماعی را فرسوده کرد، راه‌های ارتباطی میان نظام سیاسی و مردم را بست و شکاف بین گروه‌های حاکم و نیروهای اجتماعی مدرن را بیشتر کرد و مهم‌تر از همه پل ارتباطی اندکی را که در

گذشته پیوند نهاد سیاسی با نیروهای اجتماعی سنتی به ویژه بازار و مراجع دینی بود و ایران ساخت. بدین ترتیب در سال ۱۳۵۰، شکاف میان نظام اقتصادی - اجتماعی توسعه یافته و نظام سیاسی توسعه نیافته آن چنان عریض بود که تنها یک بحران اقتصادی می توانست کل رژیم را متلاشی سازد. پس انقلاب نه به دلیل توسعه بیش از حد و نه توسعه نیافتگی، بلکه به سبب توسعه ناهمگون روی داد. (همان: ۵۲۵-۵۲۴).

دولت رانیر و پیامدهای منفی آن

الف) اثرات رانت بر جامعه ایران از منظر اقتصادی

اثرات رانت بر جامعه ایران از منظر اقتصادی مصرفی شدن اقتصاد و رشد روحیه مصرف گرایی بود. در دوران افزایش درآمدهای نفتی دولت با واردات انواع کالاهایی که مشابه آن‌ها در داخل تولید می شد تولیدات داخلی را به خطر می انداخت. دولت حتی واردات مواد غذایی با صرفه تر از سرمایه گذاری برای تولید آن تشخیص داد. برای مثال انواع مواد پلاستیکی و محصولات پتروشیمی در بازار ایران بود. زیادی این محصولات که ژاپنی ها با مواد نفتی خریداری شده از خود ایران می ساختند. بعضی از محصولات سنتی ایران را از بین برد و به صنایع چرمی این کشور هم که رشته های مختلفی را در بر می گرفت لطمه زد. علاوه بر این ثروت بادآورده و کلان نفتی زندگی تجملی و اشرافی را در بین ثروتمندان ایرانی به دنبال آورد. بسیاری از آن‌ها تمام کالای مصرفی و حتی بسیاری از مواد غذایی خود را هم از خارج وارد کردند و مصرف محصولات و مصنوعات داخلی را حقیر می شمردند. سهم بسیار بالای مخارج دولت، توانایی آن را به سیاست مالی برای کنترل اقتصاد بالا برد و همه قشرها را به خاطر گذران زندگی به دولت وابسته کرد. (گازپورسکی، ۱۳۷۱: ۳۴۲).

ب) اثرات دولت رانی تر پهلوی از لحاظ فرهنگی و ایدئولوژیک بین جامعه و دولت

۱- برگزاری جشن های مبتذل و پرهزینه:

یکی از مهم ترین کارهایی که دولت پهلوی انجام داد برگزار کردن جشن های مختلف در طول سال بود هدف از نمایش این جشن ها نشان دادن قدرت و بزرگی دولت پهلوی بود. از جمله این جشن ها: جشن تاج گذاری بود در آبان ماه سال ۱۳۴۶ ش برگزار شد. اقدام بعدی برگزاری جشن ۲۵۰۰ ساله بنیانگذاری شاهنشاهی ایران بود که نیروهای فراوانی را برای مدت چند سال به خود مشغول کرد. هزینه های سرسام آور نظامی، دهمین سالگرد ضدانقلاب خونین شاه (۱۳۵۲ ش)، تفنن های سالانه فرح در شیراز بنام جشن هنر «جشن هنر»، در این جشن ها از سران کشورهای مختلف دعوت به عمل آمد. برگزاری این جشن ها فاصله ایجاد شده بین رژیم پهلوی و جامعه ایران را دو برابر کرد؛ چون ۱- تعداد آن ها بیش از اندازه بود ۲- اسراف و تبذیر فراوانی در آن ها صورت می گرفت. ۳- هرزگی و فساد زیادی در این جشن ها به چشم می خورد. ۴- با فرهنگ عمومی مردم (بومی - مذهبی) ایران ناهماهنگ بود. (شکاری، ۱۳۷۹: ۹۴ و کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۳۱۲)



۲- حمله به ارزش‌ها و باورهای مورد قبول مردم

تعرض به باورهای مورد قبول جامعه ایران، از زمان رضاشاه شروع شده بود. محمد رضا شاه سعی کرد با پیوستن به اقدامات و ابزارهای مختلف، خود را جانشین پیشوایان مذهبی و مورد لطف آن‌ها جلوه دهد. او با بهانه اعطای آزادی به زنان، شروع به تعرض به باورها و ارزش‌های آن‌ها کرد. بوجود آوردن مراکز فساد و فحشاء در تهران و دیگر شهرهای بزرگ از جمله کارهایی بود که به باورهای مردم حمله می‌کرد که متعاقب آن فساد و تباهی در بین جوانان گسترش پیدا کرد. رژیم پهلوی نه تنها مانع این بی‌بند باری‌ها نشد بلکه خود مروج و مبلغ آن‌ها بود. و همچنین برقراری ارتباط با اسرائیل که به عنوان کشوری غاصب اموال و مکان‌های مذهبی مسلمانان شناخته می‌شد اما شاه بدون توجه به این مسائل بعد از تحکیم مبانی قدرتش به اسرائیل نزدیک شد. این مسأله اولین بار توسط امام خمینی (ره) در سال ۱۳۴۱ ش مورد اعتراض قرار گرفت. حمایت از بهائیت و بهائیان همه زمینه دیگری بود که جامعه ایران از دولت پهلوی فاصله گرفت.

۳- تبلیغ افراطی فرهنگ ایران باستان و کم توجهی به فرهنگ اسلامی

محمد رضا پهلوی پس از محکم کردن پایه‌های قدرت حکومتش و سرکوب مخالفان به این حربه متوسل شد. هدف عمده شاه از پیوستن به این روش بالا بردن موقعیت خود در نزد عامه مردم و وصل کردن خود به سلاطین ایران باستان بود. رژیم در واقع یک نوع ملی‌گرایی افراطی را تبلیغ می‌کرد که در آن تاریخ قرون اسلامی تحت شعاع دوران‌های پرافتخار هخامنشی و ساسانی قرار گرفته بود. رژیم پهلوی در زمان محمدرضا شاه توسل به تاریخ پیش از اسلام را عمدتاً بعد از سال ۱۳۴۳ ش شروع کرد؛ چون در این زمان شاه مشروعیت مذهبی و دینی خود را در جامعه از دست داده بود و در تلاش بود که برا توجیه اعمال خود کامه‌اش روش دیگری را اتخاذ کند که با توسل به تاریخ پیش از اسلام بر کارهای خود سرپوش گذارد. (شکاری، ۱۳۷۹: ۹۶-۹۴)

نتیجه‌گیری

سیاست‌هایی که در راستای توسعه از سوی حکومت پهلوی دوم به کار گرفته شد تنها در برهه‌ی معینی باعث بهبود شرایط ایران گردید. اما باز بینی مجدد این برنامه‌ها روشن می‌کند که اقدامات محمدرضا شاه سبب نارضایتی عمومی و واکنش‌های مختلفی در جامعه شد که در بروز انقلاب اسلامی نقش داشت تلاش‌هایی در جهت دنبال کردن سیاست دوگانه جذب طبقات جدید بود هنگامی که در سال ۴۲-۳۹ با بحران اقتصادی شدید همراه شد و از طرفی فشار عوامل خارجی (آمریکا) برای اجرای اصلاحات ارضی، به هم خورد. بنابراین دولت هنگامی که با پدیده کمبود درآمد نفتی برای هزینه ارتش روبرو شد، به دریافت وام‌های سنگین از کشورهای خارجی روی آورد. این اقدام بحران اقتصادی و کسری درآمد را در پی داشت. درست در این هنگام زمینداران با برداشت بد محصول مواجه شدند. همچنین دریافت این وام‌ها از خارج، اندوخته‌های خارجی کشور را به کلی خالی کرد و ایران را به دریافت درخواست کمک‌های بالا از صندوق بین‌المللی پول و ایالات متحده و ادار کرد این مشکلات اقتصادی و فشارهای خارجی موجب بی‌ثباتی رژیم و بالا رفتن شمار اعتصابات

در سال‌های ۳۴-۳۶ شد. همچنین شاه در حوزه اقتصادی - اجتماعی نوسازی کرد و طبقه جدید و طبقه کارگر صنعتی را گسترش داد اما نتوانست در حوزه دیگر سیاست نوسازی نماید این ناتوانی طبقه‌های پیوند دهنده حکومت و ساختار اجتماعی مدرن را بیشتر کرد و مهم‌تر از همه پل ارتباطی میان نهاد سیاسی و نیروهای اجتماعی سنتی به ویژه بازار و مراجع دینی را ویران ساخت و باعث شکاف در سال ۱۳۵۶ ش میان نظام اقتصادی - اجتماعی توسعه یافته و نظام سیاسی توسعه نیافته شد که نه تنها یک بحران اقتصادی می‌توانست کل رژیم را متلاشی کند، بدین صورت انقلاب به سبب توسعه ناهمگون و نه به دلیل توسعه بیش از حد و نه توسعه نیافتگی رخ داد.

منابع

الف) فارسی

- ابراهامیان، یرواند (۱۳۹۲)، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل محمدی و ابراهیم فتاحی، تهران، نشر: نی.
- استمپل، جان. دی (۱۳۷۷)، *درون انقلاب ایران*، ترجمه منوچهر شجاعی، تهران، نشر رسا.
- اشرف، احمد، بنو عزیزی، علی (۱۳۹۳)، *طبقات اجتماعی و دولت و انقلاب در ایران*، ترجمه: سهیلا ترابی فارسانی، تهران، نشر نیلوفر.
- پارسونز، سر آنتونی (۱۳۶۳)، *غرور و سقوط پارسونز*، ترجمه منوچهر راستین، بی جا، نشر هفته.
- زونیس، ماروین (۱۳۷۰)، *شکست شاهانه (روان شناسی شخصیت شاه)*، چاپ دوم، تهران، نشر طرح نو.
- زیبا کلام، صادق (۱۳۷۵)، *مقدمه‌ای بر انقلاب اسلامی*، تهران، نشر علمی فرهنگی، چ ۲.
- سمتی، محمد هادی (۱۳۷۵)، «نظریه بسیج و انقلاب اسلامی ایران»، فصلنامه دانشکده حقوق و علوم سیاسی تهران، ش ۳۵، ص ۱۷۶-۱۳۵.
- شکاری، عبدالقیوم (۱۳۷۹)، *نظریه دولت تحصیلدار و انقلاب اسلامی*، تهران، نشر اسناد انقلاب اسلامی.
- قدسی زاده، پروین و دیگران (۱۳۸۸)، *پهلوی‌ها*، تهران، نشر کتاب مرجع.
- گازیوروسکی، مارک جی (۱۳۷۳)، *سیاست خارجی آمریکا و شاه*، ترجمه جمشید زنگنه، تهران، نشر رسا.
- همایون کاتوزیان، محمد علی (۱۳۷۴)، *اقتصادی سیاسی ایران «از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی»*، ترجمه محمد رضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران، نشر مرکز.
- هویدا، فریدون، (۱۳۷۰)، *سقوط شاه*، ترجمه ح. آ. مهران، تهران، نشر اطلاعات.

ب) انگلیسی

Cottam, Richard w, "Nationalism in Iran Updated Through 1978", University of Pittsburg pre, Jun 15, 1979.